



انتقاد نتانیاهو از بایدن

نتانیاهو در واکنش به تهدید آمریکا در توقف ارسال سلاح به رژیم صهیونیستی قول داده که این رژیم حتی شده به تنهایی و با ناخن انگشتش به جنگ در نوار غزه ادامه می‌دهد. واشنگتن تهدید کرد که اگر نیروهای اشغالگر به حملات نشان علیه رفح در جنوب غزه ادامه دهند، روند ارسال بیشتر سلاح به رژیم صهیونیستی را متوقف می‌کند. به نوشته روزنامه گاردین، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پس از توقف مذاکرات آتش‌بس در قاهره توسط هیئت‌های حماس و اشغالگران، این گفته‌ها را مطرح کرد. به نظر می‌رسد نتانیاهو به هشدار جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده مبنی بر توقف ارسال سلاح در صورت حمله گسترده نیروهای اسرائیلی به رفح بی‌اعتنایی می‌کند. شبکه آمریکایی سی‌ان‌ان نیز به نقل از بنیامین نتانیاهو گزارش داد: جو بایدن با توقف ارسال محموله تسلیحات به اسرائیل اشتباه کرد. وی گفت: «اگر مجبور باشیم تنها بایستیم، تنها خواهیم ایستاد. اگر لازم باشد با ناخن‌هایمان می‌جنگیم.» او با اشاره به جنگ ۱۹۴۸ گفت: «ما سلاح نداشتیم، تحریم تسلیحاتی علیه اسرائیل وجود داشت، اما با قدرت روحی و اتحاد بین ما، پیروز شدیم.»



محدودیت آلمان برای اسرائیل

بوریس پیستوریوس، وزیر خارجه آلمان در جریان سخنرانی در دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا گفت، برلین در حال افزایش حضور نظامی خود است و موضع محدودکننده قبلی خود را کنار گذاشته که شامل تأمین تسلیحات برای مناطق درگیر جنگ است. این در حالی است که گفته بود، اتخاذ گامی مشابه آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی را بررسی می‌کند. وی در این سخنرانی در دانشگاه جانز هاپکینز واشنگتن گفت: «باید بایکدیگر آینده را با ایالات متحده و همه کسانی که مدافع آزادی، صلح و نظم جهانی مبتنی بر قوانین هستند، شکل دهیم. آلمان یک متحد قوی و قدرتمند است و مایل به حضور گسترده در ائتلاف و عرصه جهانی است.» پیستوریوس در واشنگتن در مورد تغییرات در آلمان در پاسخ به حمله روسیه به اوکراین و گسترش نظامی مداوم کشورش و کنار گذاشتن محدودیت‌های قبلی آلمان از جمله ارسال سلاح به مناطق جنگی صحبت کرد. وی به افزایش هزینه‌های دفاعی آلمان اشاره کرد که اکنون بالاتر از هدف ناتو برای حداقل ۲ درصد تولید ناخالص داخلی است و همچنین به آمادگی برای استقرار دائمی یک تیپ در لیتوانی و رهبری طرح دفاع هوایی اروپا اشاره کرد.



پیگیری عضویت کی‌یف در ناتو

مدیر سرویس اطلاعات خارجی روسیه گفت، بعید است بلوک نظامی ناتو قوانین موجود را برای پیگیری سریع الحاق اوکراین به ناتو در بزنند. سرگئی ناریشکین، مدیر سرویس اطلاعات خارجی روسیه در پاسخ به اینکه آیا احتمال دارد ائتلاف ناتو برای پیوستن سریع اوکراین به خود قوانین و رویه‌های کنونی را دور بزنند، گفت: «خبر فکری نمی‌کنم ناتو چنین کاری انجام بدهد.» خبرگزاری اسپوتنیک در گزارش خود آورده است: «راب بوئر»، رئیس کمیته نظامی ناتو در مارس ۲۰۲۴ گفته بود که عضویت اوکراین در ائتلاف نظامی ناتو یک معامله تمام شده است، اما بحث در مورد اینکه چه زمانی انجام شود و چه اتفاقی می‌افتد، ادامه دارد. اواخر سپتامبر ۲۰۲۲، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین گفت که این کشور با سرعت در حال حرکت به سمت تحقق درخواست پیوستن به ناتو است.

اسرائیل امضا کردند. این اقدام البته عواقبی را برای کشورهای عربی به دنبال داشت چرا که ممکن بود به دلیل دست کشیدن از آرمان فلسطین مورد انتقاد افکار عمومی خود قرار بگیرند. اتفاقاً همین نگرانی بود که موجب شد عربستان سعودی در مذاکراتش برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل بسیار محتاطانه عمل کند اما درست زمانی که به نظر می‌رسید عربستان سعودی در آستانه یک پیشرفت بزرگ در عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل است، حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل حمله کرد و مذاکرات عادی‌سازی روابط میان ریاض و تل‌آویو را به اغما برد و منطقه نیز تقریباً به شکل بی‌سابقه‌ای در لبه پرتگاه ورود به یک تنش گسترده قرار گرفت و این حس تنش و نگرانی از بروز آن در سراسر جهان و به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا احساس شد و نمود آن را می‌توان امروز در اعتراضات دانشجویان به حمایت آمریکا از اسرائیل مشاهده کرد. حالا که نزدیک به هشت ماه از حمله حماس به اسرائیل و حمله نامتناسب اسرائیل به نوار غزه می‌گذرد، چند تحول قابل توجه دیگر نیز رخ داده است. از جمله این تحولات می‌توان به ناتوانی ترکیه در نقش آفرینی برای کنترل بحران، حملات نیروهای حوثی در یمن به کشتی‌هایی که عازم اسرائیل هستند، حملات نیروهای مورد حمایت ایران به مواضع آمریکا در عراق، اردن و سوریه، حمله هوایی اسرائیل به مواضع ایران و به‌خصوص کنسولگری ایران در دمشق و در نهایت پاسخ متقابل ایران به اسرائیل در قالب حمله بزرگ موشکی و پهپادی، اشاره کرد. مجموعه تحولاتی که در بالا ذکر شد نشان می‌دهد امنیت منطقه به شدت تحت تأثیر روپاری اسرائیل و ایران قرار گرفته است و این دینامیک است که بر بسیاری دیگر از پارامترهای امنیتی منطقه اثر می‌گذارد. در این میان کشورهای عربی منطقه بیش از هر زمان دیگری در ایفای نقش مؤثر در تحولات امنیتی منطقه ناتوان هستند؛ خصوصاً اینکه ایالات متحده آمریکا به‌عنوان ضامن امنیتی این کشورها نیز مشغله‌های زیادی دارد و به شدت در تلاش است تا توازن میان مشغله‌هایش در خاورمیانه و رسیدگی به تهدیدهای امنیتی روسیه و چین برقرار کند. واشنگتن در چندین ماه گذشته بارها در رویارویی میان ایران و اسرائیل وارد معرکه شده و سعی کرده ابعاد این رویارویی را کنترل کند. در فقره اخیر حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق، براساس اخبار منتشرشده، واشنگتن بارها به ایران پیام داد تا از پاسخ به اسرائیل صرف‌نظر کند. وقتی که عزم ایران برای پاسخ دادن را مصمم دید، سعی کرد ایران را از ارائه پاسخ مستقیم به اسرائیل منصرف کند اما در نهایت ایران تصمیم خود را با برخی ملاحظات عملی کرد. وقتی که اسرائیل اعلام کرد به پاسخ ایران واکنش نشان خواهد داد، بار دیگر آمریکا وارد میدان شد و سعی کرد واکنش اسرائیل را کنترل کند. در این خصوص حتی آمریکا از برخی کشورهای متحد خود نظیر انگلیس و فرانسه نیز کمک گرفت. به‌طور کلی شرایط اینگونه می‌نماید که رویکرد آمریکا در منطقه در شش ماه گذشته یک رویکرد واکنشی بوده است نه فعال کنش‌مند. این واقعیت نشان می‌دهد که آمریکا به‌عنوان ضامن امنیتی برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و همچنین مهم‌ترین حامی اسرائیل در منطقه، از توان لازم برای تحمیل توازن قوای مدنظرش بر کشورهای منطقه برخوردار نیست.

آمریکا به‌عنوان ضامن امنیتی برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و همچنین مهم‌ترین حامی اسرائیل در منطقه، از توان لازم برای تحمیل توازن قوای مدنظرش بر کشورهای منطقه برخوردار نیست

رادگیر مبارزه با اسلامگرایی سنی در جهان اسلام کرده بود. تصمیم دولت بوش برای سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ که از طریق همسویی با جناح‌های طرفدار ایران در عراق انجام شد، مهم‌ترین کمک به ایران برای دستیابی به اهداف استراتژیک خود بود. اما این اقدام در نهایت خطر گسترش گروه‌های اسلامگرایی جهادی در منطقه را گسترش داد.

عقب‌نشینی اسرائیل از غزه در سال ۲۰۰۵ و بروز جنگ داخلی میان حماس و تشکیلات خودگردان در فلسطین پس از پیروزی حماس در انتخابات سال ۲۰۰۶، موجب شد تا حماس کنترل کامل غزه را در اختیار بگیرد. این تحول فرصتی برای ایران فراهم کرد تا بتواند کمک بیشتری به حماس ارائه دهد. ایران البته هرگز اقدام و قصد و نیت خود را در خصوص حمایت تسلیحاتی از حماس پنهان نکرده و در عالی‌ترین سطح از عزم خود جهت تسلیح گروه‌های مقاومت در فلسطین سخن گفته است.

پس از این تحولات و در اوایل دهه ۲۰۱۰ میلادی، قیام‌های موسوم به بهار عربی در کشورهای عربی رخ داد و ایران بیشترین نفع را از این قیام‌ها برد. قیام‌ها در سوریه و یمن به اجرای برنامه‌های استراتژیک ایران برای منطقه کمک زیادی کردند. حمایت تهران از بشار اسد، موجب شد تا ایران به لحاظ استراتژیکی، هم نفوذش را در منطقه گسترش داده و به نزدیکی مدیترانه برسد و هم اینکه به دشمن دیرینه خود نزدیک شده و بتواند ارتباط ارگانیک‌تری میان محور مقاومت لبنان، سوریه و عراق ایجاد کند. حمایت ایران از حوثی‌های یمن نیز که پس از فروپاشی دولت یمن قدرت را در این کشور به دست گرفته بودند در مقابل به امداخه نظامی سال ۲۰۱۵ عربستان سعودی در یمن مبارزه می‌کردند، به نفع ایران تمام شد. در اوایل دهه ۲۰۲۰، ایران موفق شد حوزه نفوذ پیوسته‌ای ایجاد کند که از مرزهای غربی تا مدیترانه شرقی و تقاطع دریای عرب و دریای سرخ گسترش یافته بود. اعراب که چنین وضعیتی را مشاهده می‌کردند سعی کردند با دنبال کردن استراتژی نزدیک شدن به اسرائیل، در مقابل ایران صف‌آرایی کنند و نمود این استراتژی توافق ابراهام بود که آنها با

وضعیت عدم تعادل

خاورمیانه که تا به امروز ادامه یافته است



از این دست‌ورکار بود، اکنون واشنگتن دلایل بیشتری برای پیگیری آن دارد. اگر چه بحران غزه وضعیت را پیچیده کرده، اما عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل کم‌کم می‌تواند به پیشرفت صلح کمک کند؛ حل مناقشه اسرائیل و فلسطین نیز، افزون بر توافق رسمی در مورد مرزها، امنیت و موارد دیگر، نیازمند روایتی از همزیستی است تا با روایت دشمنی و انتقام‌گیری حماس مقابله کند. پیمان ابراهیم گام نخست خوبی به سوی این اهداف بود و عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان روایت صلح و همزیستی را با قدرت ادامه خواهد داد.

البته برای دستیابی به این امر همه طرف‌ها باید انتخاب‌های سختی انجام دهند. ممکن است ایالات متحده و اسرائیل لازم باشد بپذیرند که عربستان عادی‌سازی روابط با اسرائیل را به صورت چندمرحله‌ای انجام دهد و نه به صورت یک‌باره مانند موارد پیشین پیمان ابراهیم. ریاض و دیگر پایتخت‌های عربی باید بپذیرند که واشنگتن تشکیل کشور فلسطین را پیش از سنجش همه جوانب آن به رسمیت نخواهد شناخت، بلکه تنها پس از کار زیاد در مورد امنیت، حکمرانی، آموزش و مسائل اقتصادی این گام برداشته خواهد شد و همه طرف‌ها باید بپذیرند که فارغ از اینکه چقدر با جدیت برای سازش تلاش کنند، دستورکار بلندپروازانه‌ی آنها ممکن است با تقویم سیاسی ایالات متحده مطابقت نکند. اگر چه به تعویق افتادن این توافق‌ها مایه تأسف خواهد بود اما فاجعه‌بار هم نخواهد بود؛ چرا که بعید است روند نزدیک شدن کشورهای عربی و اسرائیل به یکدیگر با هیچ اقدام سیاسی یا درگیری نظامی، حتی به وحشتناکی جنگ غزه، متوقف شود. این نزدیکی، نشان‌دهنده اوج تغییرات بنیادین در چندین دهه اخیر است که طی آن تصورات اسرائیل و اعراب از تهدیدات، حتی در شرایطی که منطقه صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ شده و هم‌زمان اکنون توجه آمریکا به جاهای دیگر معطوف شد، به هم نزدیک شده است. اکنون دو دهه است که ایالات متحده رسته‌ای از تلاش‌های بی‌صبرانه برای برقرار کردن صلح میان اسرائیل و فلسطین را به جریان انداخته که در مجموع روند صلح را به مسیر خود بازگردانده است. اما آنچه امروز نیاز است، صبر است.

در سرآغاز هرگونه تلاش برای صلح، کشور فلسطین را حتی بدون موافقت اسرائیل به طور یک‌جانبه به رسمیت بشناسد. این خواسته اغلب بازتابی از بی‌صبری اعراب نسبت به مذاکرات گذشته عنوان شده که هم زمان بر بود و هم در نهایت بی‌نتیجه از آب درآمد. با وجود این، به احتمال بیشتر این خواسته نشان‌دهنده تمایل ریاض به بازگرداندن مذاکرات با آمریکا به مسیر اصلی خود است. سیاست‌گذاران سعودی در ظاهر نگران هستند که افکار عمومی عرب توافق عادی‌سازی روابط با اسرائیل را بدون گرفتن امتیازات عمده در مورد تشکیل کشور فلسطین تحمل نخواهد کرد. افزون بر این، رهبران سعودی ظاهراً بر این باورند که نه بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و نه هیچ‌یک از جانشینان احتمالی او، با چنان امتیازاتی در آینده‌ای نزدیک موافقت نخواهند کرد، چرا که افکار عمومی اسرائیل آن را پاداشی برای کشتار یی رحمانه هفتم اکبر تلقی خواهد کرد. افزون بر این، با وجود علاقه مشترک ریاض و واشنگتن به یک دولت اسرائیلی که بخواهد روند صلح را دنبال کند، هیچ‌کدام مشتاق برکناری نتانیاهو نیستند، چون این امر به برگزاری انتخابات منجر می‌شود و همه طرف‌ها را از مهلت‌های درنظرگرفته‌شده برای توافق بر سر عادی‌سازی روابط و یک پیمان دفاعی دور می‌کند. بنابراین، ریاض به رسمیت شناختن یک‌جانبه کشور فلسطین از سوی ایالات متحده را راه‌حلی شرافتمندانه برای این مخصصه می‌بیند؛ گامی عمده که نیاز به رضایت اسرائیل ندارد. با این‌همه، به رسمیت شناختن یک‌جانبه نه‌تنها قابل انجام نیست که از نظر واشنگتن ناخردانه است. اعلام وجود یک دولت فلسطینی بدون توافق بر سر مرزها، پایتخت و یا روابط امنیتی با اسرائیل می‌تواند وضعیت وخیم بین دو طرف را بدتر کند و زمینه عمیق‌تر شدن مناقشه را فراهم سازد. از دید اسرائیل، نتیجه تصمیم خروج از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و از غزه در سال ۲۰۰۵، به‌خوبی نشان می‌دهد که حل یک معضل بدون مذاکره برای حفظ صلح بی‌نتیجه است. با وجود این موانع و محدودیت‌ها، ایالات متحده دلایل زیادی برای ادامه‌ی روند دیپلماتیک پیش از هفت اکتبر (پانزده مهر) خود دارد. در واقع، به همان اندازه که هفت اکتبر نشان‌دهنده تلاش محور ایران برای جلوگیری

آن صادر کند، می‌تواند مانع آن نشود؛ این سناریویی است که اگر توافق یادشده شامل مفاد بحث‌برانگیزی باشد، مانند اجازه دادن به سعودی‌ها برای غنی‌سازی اورانیوم در داخل مرزهایشان، نمی‌توان احتمال آن را رد کرد. در مورد عادی‌سازی رابطه اسرائیل و عربستان - که به‌هنگام تعیین شده آمریکا برای رسیدن به آن توافق‌ها تلقی می‌شود - هم باید گفت اگر این روند تدریجی باشد (برای نمونه با مبادله سفیران پیش از تنظیم تعاملات اقتصادی یا گردشگری شروع شود) مزایای کلان دیپلماتیک آن در آینده نزدیک می‌تواند کاهش یابد. با وجود پیچیدگی‌های این دو توافق اما، این پیمان دفاعی و در پیمان آن تقویم سیاسی ایالات متحده چالش‌هایی است که باید با زمان باقی‌مانده رقابت کند.

حمله هفتم اکتبر حماس، خواسته یا ناخواسته، دستورکار دیپلماتیک طرف‌ها را متوقف کرد. با این حال، هر سه طرف هنوز مشتاق بازگشت به میز مذاکره هستند و برای این کار مشوق بیشتری هم دارند: پیشرفت عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان در این شرایط بخت ایران و متحدانش را برای ادعای پیروزی راهبردی در حمله حماس از بیسن می‌برد. این امر نه‌تنها برای واشنگتن و اورشلیم که برای همه کشورهای جهان عرب که به غرب گرایش دارند، مهم است. بیشتر رهبران منطقه، با وجود حمایت از آرمان فلسطینی‌ها، نسبت به اسلام‌گرایی حماس محتاط هستند و همچنان باور دارند که تهران و نیروهای نیابتی آن تهدیدی جدی به شمار می‌روند. پیش از هفتم اکتبر، بسیاری بر این عقیده بودند که عربستان مسئله فلسطین را بخشی از روند عادی‌سازی می‌شمارد؛ اما این خواسته‌ای نبود که دربرگیرنده فوریت ایجاد دولت فلسطینی یا حتی تجدید مذاکره میان اسرائیل و فلسطینیان باشد. پس از کارزار نظامی اسرائیل در غزه، این موضوع تغییر چشمگیری داشته است. ریاض به خاطر نگرانی از افکار عمومی در داخل کشور و منطقه اکنون خواستار گام‌هایی «زمان‌بندی شده و غیرقابل بازگشت» در زمینه ایجاد دولت فلسطینی است و از روند عادی‌سازی صلح خرسند نیست. برای مثال، به نظر می‌رسد رهبران عرب اصرار دارند که ایالات متحده